مدیریت شهری
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016
۵۱-۶۶
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۶/۴ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۲/۱

مدیریت مولفه های اجتماعی و انسانی در مسکن مطلوب اسلامی

محمدرضا پاکدل فرد- دانش آموخته دوره دکتری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
حسین ذبیحی*- دانشیار گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
محمد نقی زاده- استادیار گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده
تعالیم دین اسلام، به عنوان کامل ترین و جامع ترین دین، در بیان سبک زندگی اسلامی، آداب و رفتارهای اجتماعی خاصی را سفارش می کند. انجام برخی از این رفتارها با کالبد مسکن گره خورده و وابسته به کالبد مناسب آن می باشد؛ از طرفی دین اسلام سفارش های مستقیمی هم در رابطه با طراحی مسکن ارائه نموده است. این در حالی است که مسکن امروزی جوامع مسلمان با تاثیر از الگوهای مسکن غربی، فاقد تناسب لازم برای زندگی در سبک اسلامی بوده و هویت اسلامی را به نمایش نمی گذارد. پژوهش حاضر با هدف رسیدن به ویژگی های مدیریت مسائل اجتماعی در مسکن مطلوب و آرمانی برای زندگی مسلمانی، با کنکاش در متون معتبر اسلامی شامل قرآن کریم و روایات معتبر از پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) جهت بهره گیری در معماری معاصر مسلمانان تدوین گردیده است. برای نیل به این هدف، ضمن تدوین چارچوب نظریِ پژوهش؛ شامل ارائه ی تعاریف و دیدگاه ها در مورد موضوع پژوهش، به بررسی و استخراج مفاهیم و مضامین اندیشه ی اسلامی در باب مسکن و سکونت از متون دست اول اسلامی مانند متن قرآن کریم و تفاسیر مختلف آن، احادیث و شرح آنها، فقه و احکام و تاریخ اسلام پرداخت شده است. با کنکاش در متون دست اول اسلامی، مشاهده می شود که خانه به عنوان یکی از مراکز اصلی مدیریت روابط اجتماعی مطرح می شود و متون دینی با بیان اهمیت حُسن همسایگی و آثار مربوط به آن، اقدام به تعریف حقوق و حدود همسایگی و حریم های آن نموده است و برای افزایش بیشتر یکپارچگی اُمت اسلامی، سفارش به صله ی ارحام و پذیرش مهمان در خانه و سفارش به برقراری جلسات مذهبی در خانه با هدف احیای امر ولایت و آشنایی با دین نموده است. آشنایی با این ویژگی ها و انعکاس آن در طراحی معماری مسکن می تواند زمینه رسیدن به مسکن مطلوب اسلامی را فراهم نماید.
واژگان کلیدی: مدیریت مسکن، مسکن اسلامی، مدیریت اجتماعی.

Management of Human and Social Issues in the Islamic Ideal Housing

Abstract
Islamic teachings as the complete religion orders specific social behaviors in expressing Islamic life style. Some of these behaviors are tied with the housing and dependent on an appropriate structure and also designing a house is directly affected by some Islamic rules. However, Muslims modern housing has been affected by western housing patterns and lacks required proportionate for Islamic life style and does not represent Islamic identity. This research was conducted in order to studying the management of human and social issues in the ideal and optimal housing social characteristics for Muslims by investigating in Islamic authentic texts including Quran and narratives of the holy prophet (peace be upon him) and Imams for using in Muslims contemporary architecture. For doing so, while proposing a theoretical framework including definitions and viewpoints on the topic, the Islamic contents and concepts on housing and residency were extracted from the main texts including Quran and its different commentaries and narratives, explanations and jurisprudents and Islam history. Buy investigating in the main Islamic texts it is seen that house is one of the main centers of management the social relations and religious texts have proposed definitions of neighborhood rights and confinement by stating the importance of neighborhood and its consequences and ordered on the meeting relatives and acceptance of gests and holding religious meetings by the aim of surviving the guardianship issue and familiarity with region. Familiarity with these characteristics and reflection in the housing architecture can provide the context for reaching optimal Islamic housing.
Keywords: Housing management, Islamic housing, Social management

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۲۱-۴۴۸۶۶۵۱۵۴ ؛ رایانامه: hzabihi@srbiau.ac.ir

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مقدمه

بزرگترین گروه را می توان جامعه فرض نمود که امام علی (ع) جامعه و سازمان را مجموعه‌ای از گروه ها و اصناف مختلف می دانند که با هم ارتباط دارند به طوری که حیات هرکدام وابسته به دیگری است (بابائی طلاتپه ، ۱۳۸۶، ص ۳۲). بنابراین مدیریت عبارت از جهت دهی به تلاش های افراد همکار در یک سازمان و ایجاد هماهنگی بین این تلاش ها می باشد و در مدیریت قابل قبول با ارزش های اسلامی تنها به کارآیی افراد توجه نمی شود بلکه رشد معنوی و تعالی انسانی افراد نیز مورد توجه قرار می گیرد (ربّی پور و صمدی‌وند، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱). محورِ ایمانِ مومنان، در کنار خدا و رسول و ائمه، هماهنگی و وحدت در اجتماع است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۷۷). در تعالیم اسلامی همسایگی مقدمه ی رسیدن به وحدت یا مفهوم «اُمّت» واحده است. «اساس جامعه ی مسلمانان، بنیادش بر توحید قرار گرفته است. اسلام، سنتی است که جهت و گرایش آن به سوی جامعه است. تاثیر این جهت یابی را در تعبیر مفهوم «امت»[1] که همان جامعه مسلمانان است می توان یافت. این مفهوم به همه مسلمانان ماموریت می دهد که دارای یکپارچگی اجتماعی باشند» (مرتضی، ۱۳۸۷، صص ۴۱و۴۲). اسلام، تعهد به تشکیل «امت» که لازمه ی آن استحکام واحدهای اصلی اجتماعی (یعنی خانواده و اهل محل یا همسایگی) می باشد را تقویت می کند که این امر موجب نوعی احساس وفاداری، همبستگی و انسجام بر اساس اسلام، می گردد (همان منبع، ص ۴۴). بنابراین تلاش تعالیم اسلامی بر ایجاد وحدت و یکپارچگی اجتماعی می باشد و در راستای مدیریت و بهره وری حداکثری این موضوع، از تمام عوامل مربوطه بهره می گیرید، که یکی از این عوامل را می توان مَسکن دانست.

مفهوم مسکن نیز چیزی فراتر از چارچوب خانه را شامل می شود و دربرگیرنده محیط کالبدی بزرگتر و جامعه انسانی گسترده تری نسبت به خانه می باشد و در واقع می توان مسکن را در ارتباط با کل جامعه ی انسانی سکونتگاه قلمداد نمود. علامه دهخدا مسکن را محل سکونت و جای آرام یافتن دانسته و آنرا شامل مسکن جزوی یعنی خانه ها و مسکن کلی یعنی شهرها می داند (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۰۸۸۰، ص ۱۳). فارابی نیز در آرای مدینه ی فاضله، مسکن را بر دو قسم مسکن جزوی (واحد مسکونی) و مسکن کلی (سکونتگاه های شهری یا روستایی) تقسیم می کند (سرتیپی پور، ۱۳۸۳، ص ۲۵) و مسکن را در ارتباط با جامعه ی انسانی نیز قلمداد می کند. فارابی در فصل بیست و دوم «فصول منتزعه» (که دربردارنده صد فصل در بخش های حکمت عملی، سیاست مُدُن، دانش اخلاق و تدبیر منزل است) ضمن اظهار نظر در مورد خانه و شهر، بیان می دارد که خواست دانایان قدیم از واژه شهر و خانه تنها جایگاه سکونت و آرامش نبوده، بلکه مسکن شامل انسان ها هم می شود که خانه یا شهر آنها را در برگرفته است و در آن زندگی می کنند (فارابی، ۱۳۸۸، ۲۶). «خواجه نصیرالدین طوسی» نیز با فرق گذاری میان «منزل» و «مسکن»، مسکن را برتر از منزل معرفی می نماید و به اهمیت مساله همسایگی اشاره می کند[2] (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۴۶، صص ۱۸۰و۱۸۱).

در تعالیم اسلامی، آبادی و ثروت شهر با دو رفتار اسلامی یعنی «صله ی رَحِم» و «حُسنِ همسایگی» تعریف شده است و در مورد عمل به آداب مهمان داری

۱.«امت به معنی گروهی از مردم است که اصول اسلامی را پذیرفته و در قالب جوامعی یکپارچه و به شکلی واضح، قوانین و ارزش-های اسلامی را پذیرفته‌اند» (Rabie ۱۹۸۱, ۱۱۴).

۲. «اما افضل احوال منزل که مسکن بود، چنان بود که بنیادهای آن استوار باشد و سقف ها به ارتفاع مایل و درها گشوده چنانکه در اختلاف بتکلفی احتیاج نیفتد و مساکن مردان از مساکن زنان مفروض؛ و مقامگاه هر فصلی و موسمی بحسب آنوقت مُعِد [مهیّا و آماده] و موضع ذخایر و اموال به حصانت [پاسداری و محافظت] موصوف ... و از همه مهمتر اعتبار حال جوار [همسایه ها] تا به مجاورت اهل شر و فساد و کسانیکه موذی طبع باشند مبتلا نشود» (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۴۶، ۱۸۰و۱۸۱).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

و همسایگی در اسلام پاداش های دنیوی و اُخروی زیادی ذکر شده است. امام صادق (ع) می فرمایند: «صله ی رحم و خوش رفتاری با همسایه، شهرها را آباد و عمرها را زیاد می کند» (کلینی، بی تا، ۲۲۳، ص ۳). پیامبر (ص) نیز صله ی رحم را موجب آبادی خانه ها و افزایش طول عمر فرموده اند، هر چند به جا آورندگان صله ی رحم از نیکان نباشند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ۲۰۱۷، ص ۴). پذیرش مهمان در سَبک زندگی اسلامی، علاوه بر ارحام و خویشان، شامل برادران دینی نیز می باشد که این کار برای صحبت در زمینه ی معارف دینی و منزلت اهل بیت (ع) و در خانه های مومنان انجام می شود. امام باقر (ع) می فرمایند: «در خانه هایتان از یکدیگر دیدار کنید؛ زیرا این کار، امر ما را زنده می کند. رحمت خدا بر آن بنده ای که امر ما را زنده کند.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ۲۲۷۹، ص ۵ و مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۲). بنابراین می توان اندیشه ی اسلامی در باب مدیریت مسائل اجتماعی در زمینه ی مسکن را به سه حوزه همسایگی، مهمانداری و تشکیل جلسات مذهبی در خانه دسته بندی نمود. مساله بسیار مهم همسایگی را نیز می توان در دو عنوان روابط اجتماعی و مسائل کالبدی طبقه بندی نمود.

ابزار و روش

در این پژوهش ابتدا با وسیع نمودن حوزه مورد مطالعه، تمام مطالبی را که می تواند با موضوع به گونه ای مرتبط گردد، بررسی و دسته بندی نموده و نظریات موجود در زمینه ی مدیریت مسائل اجتماعی و انسانی در مسکن مطلوب اسلامی، شامل همسایگی، مهمانداری و روابط اجتماعی در مسکن و سکونت و ارتباط آن با تعالیم اسلام (قرآن کریم و کلام پیامبر (ص) و امامان (ع)) و سایر موارد مرتبط، مطالعه و ارزش گذاری شد تا بتوان مسیر دستیابی به هدف اصلی را مشخص نموده و در تحقق آن کمک نماید. نخست به بررسی گفتارهای ایشان که مرتبط با موضوع است پرداخته شد و سپس مهمترین صفات و ویژگی های حاصل در رویکردی تحلیلی و در ابعاد کلی استخراج و دسته بندی گردید. عمده ی بخش روش تحقیق، ترکیب و تلفیقی از روش های توصیفی- تحلیلی بوده است و در انتها با استفاده از روش استنباطی به بیان نتیجه گیری پرداخته شده است.

ضرورت پرداخت به مدیریت مسائل اجتماعی در مسکن اسلامی

انسان موجود مدنی و اجتماعی است و هر اجتماعی در صورتی دوام پیدا می کند که قوانین و مقرراتی برای اداره ی صحیح اجتماع وضع گردد (بابائی طلاتپه، ۱۳۸۶، ص ۴۲). در نظام اجتماعی، مدیریت، محور زندگی است و ضرورت مدیریت در زندگی اجتماعی انسان بیشتر احساس می شود. در تمام ملّت ها و دولت ها نوعی مدیریت و سیاست برای اداره کشور و مردم وجود داشته و دارد. هم اکنون مبحث، چگونگی اداره انسانها در مراکز گوناگون اقتصادی، نظامی، سیاسی، اجتماعی و غیره، نوعی با مباحث مدیریت در ارتباط است که هریک از دولتها و ملّت های کنونی جهان تلاش می کنند تا با راه و رسم و آداب و رسوم و نوآوری های خاصّ خودشان «مدیریت» را تعریف کنند و فرد و جامعه را اداره نمایند (همان، ص ۲۵). مسکن پدیده ای پیچیده و مرتبط با با مقوله های بسیاری می باشد که می توان مسائل انسانی و اجتماعی را از مهمترین این موارد فرض نمود. آموس راپاپورت که معماری مسکن را یک پدیده ی متاثر از مساله ی فرهنگ قلمداد می کند، خانه را در درجه اول یک نهاد به شمار می آورد تا یک پدیده ی سازه ای، و جنبه ی سرپناه بودن خانه را به عنوان وظیفه ی ضمنی و ضروری فرض کرده، و جنبه ی مثبتِ مفهوم خانه را ایجاد محیطی مطلوب برای زندگیِ خانواده به مثابه «واحد اجتماعی» قلمداد می کند (Rapoport, ۱۹۶۹,۴۶). مسکن دوره ی مدرن نیز در کنار پاسخ به فعالیت های خوابیدن، خوردن، تفریح، پخت و پز و کار و امکان دسترسی به مراکز خرید و گذران اوقات فراغت، پارک ها و مکان های ورزشی، آموزشی، شغلی، باید امکان ایجاد ارتباط با آشنایان و دوستان را نیز فراهم سازد (White, ۱۹۸۸, ۳۲). اگر مدیریت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

را علـم و هنـر متشـکل و هماهنگ کـردن فعالیت های دسـته جمعی بـرای نیل بـه هدف های مطلـوب بدانیم (جاسـبی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۴) اصـول ایـن هماهنگـی می بایسـت از فرهنـگِ غالـبِ جامعـه اسـتخراج گردد. در دیـن مبیـن اسـلام، روابـط اجتماعـی و برخوردهای انسـانی، بر پایه‌ی اعتقاد استوار اسـت و انسانِ مسلمان، معاشـرت و مصاحبت خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کند کـه بیـرون از باورهـای دینی و آئینی او نباشـد. اسـلام، شـناخت حدود و میزان معاشـرت را از ضروریّات زندگی اجتماعـی مسـلمان می‌دانـد و بخـش مهمّـی از تعالیم خویـش را بـه ایـن امر اختصـاص می‌دهـد (ربّـی پور و صمدی‌ونـد، ۱۳۸۹، ص ۲۱۷). در اندیشـه ی اسـلامی، خداونـدِ یگانـه، تنهـا حاکـم و قانون گـذار می باشـد[۳] و قوانیـن خداونـد بـر کل جهـان هسـتی حکم فرماسـت و بنابرایـن انسـان بایـد خـود را بـا قوانین الهی سـازگار کنـد (Quraishi, ۱۹۸۴, ۶). ایـن قوانیـن، خـوب و بـد و حـدود اَعمـال و رفتـارِ فـردی و اجتماعـی را بر ما مشـخص می کنـد و در نهایـت هدف آن ایجـاد نظم در جامعـه می باشـد (Mawdudi, ۱۹۸۶, ۲۹).

توجـه تعالیـم اسـلامی بـه مسـائل اجتماعی و انسـانی در انتخـاب محـل سـکونت

از مـواردی که تأثیـرات مثبت یا منفی زیادی بر انسـان دارد، می تـوان از همنشـین انسـان نـام بـرد. بـه همین دلیـل اسـلام تأکیـد بسـیاری بـر انتخـاب همنشـینی شایسـته دارد. همسـایه را نیـز می تـوان از همنشـینان انسـان فـرض نمـود کـه تاثیـرات زیـادی بـر انسـان می گـذارد و عـدم اهلیـت و صلاحیت همسـایه، موجب سـلب آرامـش می‌گـردد. بـر این اسـاس، تعالیم اسـلام تحقیـق دربـاره‌ی همسـایگان را هنـگام خریـد زمیـن یـا مسـکن در اولویـت قـرار داده اسـت. امـام علـی (ع) می‌فرماینـد: «قبـل از خریـدن خانـه، ببین همسـایه ها کیستند؟» (محمدی ری شـهری، ۱۳۸۴، ۹۱۹، ص ۲). بنابرایـن بـا وجود اهمیتی کـه کالبد خانه و شـهر دارد، اولویـت به مسـائل اجتماعی داده شـده اسـت. امام علی (ع) عامل انسـانی را مهمترین معیار در محیط مسکونی می دانند. ایشـان در نامـه‌ای به حـارث هَمْـدانی، وی را بـرای انتخـاب محیـط سـکونتش اینگونـه راهنمایی می کننـد: «در شـهرهای بـزرگ مسـکن گزیـن کـه آنجـا مرکز اجتماع مسـلمین اسـت، از اقامـت در مراکز غفلـت و سـتمکاری و آنجا که مـددکاران بر طاعت خدا اندک انـد بپرهیز» (نهـج البلاغـه، ۱۳۷۸، ص ۷۳۴). در ایـن توصیـه، دوری از مراکز غفلـت و نزدیکی به اجتماع مسـلمین و همجـواری بـا مـددکاران بر طاعت خـدا، به عنـوان مزیـت زندگی در شـهر معرفی شـده اسـت.

در اندیشـه ی پیامبـر (ص) نیـز مسـائل انسـانی محـل سـکونت، مقـدّم از سـایر مسـائل می باشـد؛ مـردی نزد پیامبـر (ص) آمـد و گفـت: ای رسـول خـدا می خواهـم خانـه‌ای بخرم، شـما دسـتور می دهیـد کجا بخـرم، در جهینـه یـا در مزینه و یا در ثقیف و یـا در میان قریش؟ پیامبر (ص) به او فرمودند: نخسـت همسـایه ها بشناس و سـپس بـه فکر خرید خانـه باش (نـوری، ۱۴۰۸، ۴۷۰ ، ص ۳). پیامبـر (ص) هنـگام ورود بـه مدینه (و انتخاب آن بـه عنـوان پایتخـت و تشـکیل حکومـت اسـلامی) ابتـدا مسـجدی را بنـا نمودنـد و سـپس پیمان بـرادری بین سـاکنان مدینـه (انصـار و مهاجرین) برقـرار کردند (مرتضـی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸). ایجـاد پیمـان برادری بین سـاکنان یـک شـهر بـه عنـوان یکـی از اولیـن اقدامات ایجـاد یـک سـکونتگاه بـا جهان بینـی جدیـد، نشـان از اهمیـت مسـائل انسـانی و اجتماعـیِ یک سـکونتگاه در نظـر پیامبـر (ص) دارد. در نخسـتین سـال ورود حضـرت رسـول اکـرم بـه مدینـه، یکـی از مهمتریـن ابتـکارات مدیریـت شـهری و پیونـد لایه هـای مختلف اجتماعـی و طبقـات مختلـف در شـهر مدینه افـزون بر پیوندهـای وحـدت بخـش دینـی، پیونـد عقـد اخوت و بـرادری بیـن کلیـه مسـلمانان اعـم از زن و مـرد بـود. رسـول خـدا در مجلسـی عمومـی فرمودنـد: «تآخُو فِی اللهِ اَخَوَیـن اَخَوَیـن» (آیتـی محمد ابراهیـم، ۱۳۶۶، ص ۲۳۵). ایـن پیمـانِ بـرادریِ همگانـی بـر مبنـای نفـی

۳.«إِنِ الْحُكْمُ إِلاَّ لِلَّه»، «حکم فقط ویژه ی خداست.» (سوره یوسف، آیه ۴۰).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

انگیـزه هـای قومـی و قبیلـه‌ای و بـر مینـای محوریـت حـق و همکاری اجتماعی شـهری شـکل گرفـت که به فرمـوده خداوند متعـال «إِنَّمَـا الْمُؤْمِنُونَ إِخْـوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»[۴](سـتاری ساربانقلی و ذبیحی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۶).

مسائل اجتماعی و انسانی مسکن

اهمیـت همسـایگی از منظر اسـلام: واژه‌ی همسـایگی در زبـان فارسـی بـا توجـه به مفهـوم «سـایه» و تلفیق آن بـرای دو خانـواده یـا دو سـاختمان همجـوار، مفهوم وحـدت و یگانگـی را در خـود مسـتتر دارد. در فرهنـگ اسـلامی، همسـایگان عـلاوه بر شـخصیت های حقوقی، واجـد وابسـتگی های عاطفـی و اخلاقـی نیز می باشـند (نقـی زاده، ۱۳۸۶، ص ۴۳۳). همچنـان کـه در اسـلام بـرای پـدر و مـادر و منسـوبان و خویشـان حقی اسـت، برای همسـایگان نیز از جانب پروردگار حق ثابتی اسـت کـه آنـرا «حق جوار» گویند که هر کـس در آن کوتاهی کنـد گناهـکار اسـت (نراقـی، ۱۳۸۶، ص ۵۱۵). «حـق جوار» یا «همسـایگی» در اسـلام به قدری اهمیت دارد کـه در وصایـای معـروف امیـر مؤمنـان (ع) می‌خوانیم: «آن قـدر پیامبـر (ص) دربـاره ی آنهـا سـفارش کـرد، کـه مـا فکـر کردیم شـاید دسـتور دهـد همسـایگان از یکدیگـر ارث ببرنـد» و در جـای دیگـر از پیامبـر (ص) نقـل شـده که در یکی از روزها سـه بار فرمـود: «و الله لا یؤمـن، به خدا سـوگند چنین کسـی ایمان نـدارد، یکی پرسـید چـه کسـی؟ پیامبـر (ص) فرمودنـد: کسـی که همسـایه ی او از مزاحمـت او در امـان نیسـت» (مـکارم شـیرازی، ۱۳۷۴، ص ۳۸۱ :۳).

در روایـات معصومین (ع) از همسـایه ی خوب به عنوان برکـت خانـه و مایه ی سـعادت و خوشـبختی یاد شـده اسـت؛ چنانچـه امام علی(ع) فرمودنـد: «برای هرچیزی شـرفی می‌باشـد، و شـرف خانـه در بزرگ بـودن صحن خانـه و مهمانانـی نیکـو می‌باشـد، بـرای خانـه برکتـی می‌باشـد کـه برکـت آن در مـکان خـوب و صحنـی بزرگ و همسـایگانی نیکوسـت» (طبرسـی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۱). پیامبـر(ص) خانـه ی وسـیع و همسـایه خوب را از سـعادت و خوشـبختی و همسـایه ی بد و تنگی خانه را از بدبختـی دانسـته اند (طبرسـی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۱). همچنیـن ایشـان در بیـان اهمیـت احترام به همسـایه، آنـرا هم ردیـف احتـرام بـه مـادر می دانـند (محمـدی ری شـهری، ۱۳۸۴، ۹۱۷ :۲ و طبرسـی، ۱۳۸۹، ۲۳۱ و مجلسـی ۱۴۰۴، ص ۱۵۴ :۷۳). همچنیـن می فرمایند: «ارزش همسـایه به همسـایه مانند ارزش خون اوسـت» (میرزایـی، ۱۳۸۶، ص ۵۱۰). امـام صـادق (ع) امـر بـه «حُسـنِ همسـایگی» فرمودنـد و آنـرا موجـب آبـادی خانـه و محلـه و موجـب افزایـش رزق و روزی شـمردند (محمـدی ری شـهری ۱۳۸۴، ص ۹۱۷ :۲). در فرهنگ اسـلامی مشـاهده می‌شـود کـه اهمیـتِ داشـتنِ همسـایگانی خـوب، حتـی بیشـتر از منطقـه ی مـورد سـکونت و یا حتی بیشـتر از کیفیت کالبدی خود خانه می باشـد. داشـتن همسـایه ی خـوب در نظر امـام علی (ع) بـه حـدی اسـت که بـه فرزندشـان امام حسـن (ع) سـفارش می‌کنـد: «پیش از راه از همـراه و پیش از خانه از همسـایه بپرس» (نهـج البلاغـه، ۱۳۷۸، ص ۶۴۱). و در خطبـه «هُمام» ضمن شـمردن صفـات پرهیزگاران، موضـوع زیـان نرسـاندن بـه همسـایه را خاطرنشـان می‌کنـد (همـان، ص ۴۳۰). بـا مشـاهده ی همـه ی ایـن توصیفـات، می تـوان این گونـه برداشـت نمـود که رعایت آداب و حقوق همسـایگی، با مسـلمان بودن گره خورده اسـت. پیامبـر (ص) می فرمایند: «مسـلمانی که شب سـیر بخوابد و همسایه اش گرسـنه باشد، مسلمان نیسـت» (Chapra, ۱۹۷۹, ۱۳).

حـدود همسـایگی: روابـط همسـایگی محـدود بـه همسـایگان مجـاور نبوده بلکه شـعاع دورتری را شـامل می شـود. محـدوده ی همسـایگی در روایـات تـا چهـل خانـه از اطـراف منزل عنوان شـده اسـت و ایـن در واقع محـدوده ی یـک محله یا یک شـهر کوچک را تشـکیل می-دهـد؛ و ایـن یعنـی توجـه دادن بـه آداب و رعایـت حقـوق همـه ی شـهروندان. امـام علـی (ع) در بیـان

۴. «مؤمنان برادر یکدیگرند، پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید»، (سوره حجرات، آیه ۱۰).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

محـدوده ی همسـایگی می فرماینـد: «حریـم مسـجد چهـل ذراع اسـت و تا چهـل خانه از چهار طـرفِ منزل، همسـایه بـه شـمار می آینـد» (محمـدی ری شـهری، ۱۳۸۴، ۹۲۳ :۲). پیامبـر (ص) نیـز تـا چهـل خانـه را همسـایه بـه شـمار آورده انـد (محمـدی ری شـهری، ۱۳۸۴، ۹۲۳ :۲).

سلسـله مراتـب حـدود همسـایگی: قـرآن کریم، همسـایه را سـه گونـه معرفـی می کنـد: «همسـایه ی نزدیک، همسـایه ی دور و همسـایه ی موقت»[۵] و منظور از ایـن دوری و نزدیکـی، دوری و نزدیکـی از نظـر خانـه اسـت، در روایتـی از رسـول خـدا (ص) نقـل شـده کـه همسـایه را تحدیـد فرمـود به کسـی که بیـن خانه تو و خانه او چهل ذراع، یعنی بیسـت ذرع فاصله باشـد، و در روایتـی دیگـر تحدید شـده بـه چهل خانه، کـه احتمال دارد روایـت اولـی خواسـته باشـد همسـایه ی نزدیـک را تحدیـد کنـد و دومـی همسـایه ی دور را. و همسـایه موقـت به معنای کسـی اسـت که پهلوی آدمی باشـد و خانـه‌اش دیوار به دیوار آدمی باشـد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۵۶۲ :۴). بنابراین سـفارش درباره ی همسایگان دور، در شـهرهای کوچک تقریبا تمام شـهر را در بر می گیرد. اگـر خانـه ی هـر انسـانی را مرکـز دایره‌ای فـرض کنیم کـه شـعاع آن از هـر طـرف چهل خانـه باشـد، مجموع خانه‌هـای اطـراف آن را تقریبـا پنـج هزار خانه تشـکیل می‌دهد که مسـلماً شـهرهای کوچک بیـش از آن خانه ندارنـد (مـکارم شـیرازی، ۱۳۷۴، ص ۳۸۰ :۳). بنابراین تصریـح بـه حق «همسـایگان دور» برای توجـه دادن به وسـعت مفهـوم آن از نظر اسـلام می باشـد.

پیامبر(ص) نیز همسـایه را به سـه دسـته تقسـیم کرده اسـت: اول همسـایه‌ای که مسلمان و خویشـاوند است، که او را سـه حق بر گردن انسـان اسـت، حق خویشـی، حق همسـایگی و حق برادری. دوم همسـایه ی مسلمانِ غیر خویشـاوند، که او را حق همسـایگی و برادری اسـت و سـوم همسایه ی غیر مسلمان، که او را حق همسایگی بـر گردن اسـت و پیامبـر فرمودند: هر که بـه خدا و روز قیامـت ایمـان دارد باید به همسـایه ی خـود اکرام کند (نراقی، ۱۳۸۶، ص ۵۱۵)، بنابراین همسـایه ی مشـرک هـم حـق همسـایگی دارد، خـواه اهل کتاب باشـد خواه نباشد (طبرسـی، ۱۳۶۰، ص ۱۴۱ :۵).

حقـوق همسـایگی: اسـلام بـرای همسـایگی، مجموعـه‌ای از اصـول اخلاقـی را در نظـر گرفتـه اسـت کـه آنـرا می تـوان در دو اصـل مهـم خلاصـه کـرد: روابط مسـتحکم همسـایگی و حفظ حقوق همسـایگان (مرتضـی، ۱۳۸۷، ص ۵۱و۵۲). در حدیـث نبـوی در مـورد حقـوق همسـایه ایـن گونه آمده اسـت: «رسـول خـدا از اصحـاب پرسـیدند: آیا مـی دانید حق همسـایه را چـه انـدازه اسـت؟ گفتنـد: نمی دانیـم. فرمودنـد: اگر حمایـت خواهـد حمایتـش کنـی و اگـر وجهی بـه وام طلبیـد به او بدهی و اگر فقیر شـود، فایده به او رسـانی، و اگـر مصیبتـی به او برخورد، تسـلیت گویی و اگر بیمار گـردد، از او عیـادت و پرسـتاری نمایـی، و اگـر بمیـرد، جنازه ی او را تشـییع و همراهی کنی و بنای خانه‌ات را بـر او بلند نسـازی و چنان بر نیفـرازی که حاجب اهتراز نسـیم بـه خانـه ی او شـود، مگـر از او اجازت گیـری، و رخصتـش را منـت پذیـری و اگـر میـوه بـرای خانـه ی خـود بخـری بـرای او هدیه فرسـت، و اگـر نتوانی هدیه نمـود، میـوه را پنهانـی وارد خانه خود کـن و فرزندت به آن بیـرون نـرود که فرزند او بیند و حسـرت بـرد، و او را بـه بـوی دیگ خـود میـازار در وقت سـاختن طعام های خوشـبوی، مگـر از آنچـه مطبـوخ سـازی قسـمت و بهـره‌ای بـرای او منظور نمایـی» (مجلسـی، ۱۴۱۰ه‌ق،

۵. «وَ اعْبُـدُوا اللَّهَ وَ لا تُشْـرِکُوا بِـهِ شَـیْئاً وَ بِالْوالِدَیْـنِ إِحْسـاناً وَ بِـذِی الْقُرْبـی وَ الْیَتامی وَ الْمَسـاکینِ وَ الْجـارِ ذِی الْقُرْبی وَ الْجـارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِـبِ بِالْجَنْـبِ وَ ابْـنِ السَّـبیلِ وَ مـا مَلَکَـتْ أَیْمانُکُـمْ إِنَّ اللَّهَ لا یُحِبُّ مَنْ کانَ مُخْتالاً فَخُورا»، «و خدا را بپرسـتید، و چیزی شـریک او مگیریـد، و بـه پـدر و مادر احسـان کنید، و همچنین به خویشـاوندان، و یتیمان، و مسـکینان و همسـایه ی نزدیک و همسـایه ی دور، و رفیـق مصاحـب، و در راه مانـده و بـردگان کـه مملـوک شـمایند، که خـدا افرادی را کـه متبختر و خود بـزرگ بینند، و بـه دیگران فخر می‌فروشـند دوسـت نمی‌دارد» (سـوره نسـاء، آیه ۳۶).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

۹۴ :۷۹). علمـای اسـلامی نیـز بر اسـاس همین تعالیم، به بیـان حقـوق همسـایگی پرداخته‌اند: «در شـناختن همسـایگی رجـوع بـه عـرف می‌شـود، یعنـی هر کـه را در عرف همسـایه گویند حق همسـایگی بایـد درباره‌ی وی مراعـات شـود. و از بعضـی اخبار مسـتفاد می‌شـود کـه تـا چهـل خانه از هر طرف همسـایه هسـتند. و باید دانسـت کـه حـق همسـایه تنها این نیسـت کـه به وی اذیّـت نرسـد، کـه این حقّی اسـت برای همـه، بلکه باید بـا او بـه مهربانـی و خیـر و نیکـی رفتـار نمـود ... و اگر خواهد بر دیوار همسـایه سـر تیر بگـذارد مضایقه نکند، و اگـر خواهـد آب را در نـاودان وی جـاری سـازد مانـع نشـود، و اگـر خواهـد از راه مختـصّ وی آمد و شـد کند تنـگ نگیرد، و از اسـباب خانه آنچه خواهـد دریغ ندارد، و چشـم خـود را از اهـل خانـواده‌ی او نـگاه دارد ... و بنـای خانـه‌ی خـود را بـدون اجـازه‌ی او بلنـد نگرداند کـه هـوای خانه‌ی او را حبـس کند ...» (نراقـی، ۱۳۷۷، ص ۳۹۵ :۲).

سـفارش به برقراری روابط اجتماعی در همسایگی: صبغـه‌ی اجتماعـی اسـلام، ضرورتـاً ایـن دیـن را در عرصه‌هـای مختلـف اجتماعـی و نهادهـای وابسـته به آن دارای نگـرش خـاص، دقیـق و قابل توجّـهی نموده اسـت. پیامبـر اسـلام (ص) و ائمّـه‌ی اطهـار (ع) به امر مدیریّـت اجتماع و چنـد و چون آن عنایتی ویژه مبذول داشـته و قواعـد و قوانیـن آن را بـر مبنای حُسـن خلق تنظیـم و ارائـه کرده‌انـد. قـرآن، احادیـث، نهج‌البلاغه و ادعیـه و دسـتورالعمل‌های بـزرگان دینـی، همه شـاهد ایـن مدّعا هسـتند (ربّـی پور و صمدی‌ونـد، ۱۳۸۹، ص ۲۱۳). اسـلام بر تمام کسـانی که در همسایگی یکدیگر هسـتند واجب می‌داند که نسـبت به همدیگـر مهربان، مـودب، با احترام، قابل اعتمـاد و مفید بوده و صمیمیت اجتماعـی محکمـی بیـن خود برقـرار کنند تا هـر کدام دارایی، آبرو و زندگی خود را در بین همسایگان محفوظ بداند (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۵۲). بسـیار روشـن است که دنیـا، دارِ حـوادث و گرفتاری‌هـا اسـت، چـه بسـا آدمی در زندگـی نیازمند به کمک و محبت همسـایه اسـت و بـدون عنایـت و مهربانی او قادر بر رفع مشـکلات فردی و اجتماعیـش نخواهـد بـود و همیـن احتـرام متقابل و رعایـت حقوق دو جانبه‌ی همسـایگی اسـت که موجب می‌شـود آدمـی در مـوارد بحرانـی و گرفتاری‌هـا از ناحیـه‌ی همسـایه احسـاس امنیـت کند و مشـکلاتش را از رهگـذر او رفـع نمایـد (یادنامـه کنگـره هـزاره نهج البلاغـه، ۱۳۶۰، ص ۱۳۹). دارا بـودن روابـط اجتماعی، رفـت و آمـد و آگاهـی از احـوال همدیگـر در میـان همسـایگان وجـه تمایز شـهر زندگان و شـهر مـردگان (قبرسـتان) در نظـر امـام علی (ع) می‌باشـد. ایشـان در وصـف محیـط مـردگان می‌فرماینـد: «با وطن‌هـا انس نمی‌گیرنـد و چـون همسـایه‌ها بـا یکدیگر رفـت و آمد نمی‌کننـد» (محمـدی ری شـهری، ۱۳۸۴، ص ۶۸۷۱ :۱۴). پیامبـر (ص) عاریـه دادن لـوازم خانـه را نیـز جزء همیـن حقـوق بیان نموده‌انـد: «... هر کس کـه از عاریه دادن اسـباب خانه به همسـایه‌اش-که بـه آن نیاز دارد- خـودداری کند، خـدا در روز قیامت او را از فضل خویش محـروم سـازد ...» (حکیمـی، ۱۳۸۰، صـص ۱۵۶-۱۵۷ :۵). در قـرآن کریـم نیـز این موضوع بیان شـده اسـت[۶].

پرهیـز از هرگونـه آزار در روابـط همسـایگی: اساسـی‌ترین اصـل در مدیریـت روابط همسـایگی و به تبـع آن مدیریـت مسـائل اجتماعـی در شـهر، اجتناب از هرگونـه آزار و آسـیب در همسـایگی‌ها می‌باشـد. پیغمبـر (ص) فرمودند: «کسـی که به خـدا و روز قیامت ایمان داشـته باشـد همسـایه‌ی خود را آزار نمی‌دهد.» (محمـدی ری شـهری، ۱۳۸۴، ۹۱۹ :۲ و مجلسـی، ۱۳۶۵، ص ۹۸). امـام صـادق (ع) همسـایه را هماننـد خـود انسـان معرفـی می‌کننـد کـه نبایـد بـه اوضـرر رسـانید و نـه او را بـه گنـاه انداخت (کلینـی بی‌تا، ۴۹۰ :۴). پیامبـر (ص) در سـفارش حـق همسـایه فرمودنـد: «هـر که همسـایه‌ی خـود را بیازارد بوی بهشـت را خدا

۶. در بیـان اخـلاق منافقـان می‌فرمایـد: «... وَ یَمْنَعُـونَ الْماعُـونَ»، «از عاریـه دادن اسـباب خانـه خـودداری می‌کننـد» (سـورهٔ ماعون، آیه ۷).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

بـر او حـرام می گردانـد، و جایـگاه چنین کسـی جهنم خواهـد بـود و بدجائی اسـت. هر که حق همسـایه خود را از میـان بَرَد از ما نیسـت. پیوسـته جبرئیـل مرا درباره همسـایگان سـفارش می کـرد کـه خیال کـردم بالاخره همسـایه را هـم وارث قـرار خواهـد داد» (شـیخ صدوق، ۱۳۶۳،ص ۱۳ :۴). پیامبـر (ص) در مـورد همسـایه ی بـد اینگونـه فرمودنـد: «پـروردگارا! از همسـایه ی بد در خانـه ی ثابـت به تـو پناه مـی بـرم» (میرزایـی، ۱۳۸۶، ص ۲۸۲).

مصادیق کالبدی رعایت حقوق همسایه

در احادیث به مصادیقی از رعایت حقوق همسـایه اشـاره شـده اسـت کـه در ارتبـاط با کالبد مسـکن می باشـد، ماننـد؛ عدم ممانعـت از جریان هوا به خانه ی همسـایه، عـدم آزار با بـو یا دود، رعایت حریم ارضی، حکم شَـفَعه و عدم اِشـراف به خانه ی همسـایه.

سـاختن خانـه بـه طـوری که مانـع از رسـیدن بـاد به سـایر خانه هـا نباشـد: پیامبـر (ص) یکی از حقـوق همسـایه را نگرفتـن جلـوی وزش بـاد بـه خانه وی بر شـمرده اسـت: «... خانـه ی خـود را نسـبت بـه خانه ی همسـایه چنان بلند مساز که اگر بلند سـاخته باشـی، جلـوی وزش باد به خانـه ی او را خواهی گرفت» (مجلسـی، ۱۴۱۰ه ق، ۹۴ :۷۹ و محمـدی ری شـهری، ۱۳۸۴، ص ۹۲۳ :۲). بنابرایـن حـق بهره منـدی از وزش بـاد بـه عنـوان یکـی از معیارهـای حقوقـی معمـاری و شهرسـازی اسـلامی مطـرح می شـود کـه در طراحـی معمـاری بناهـا و طراحی شـهری و جهت گیـری گذرها و محله هـا بایـد بـه آن توجـه گردد.

رعایـت حریـم بویایـی و ممانعـت از رسـیدن بـوی غذا و دود آشـپزخانه بـه خانـه ی همسـایه: از مـوارد رعایت حقـوق همسـایه اذیت نکـردن به وسـیله بـوی پخت و پـز در آشـپزخانه اسـت. در روایاتی که حقوق همسـایه را برشـمرده اند، بـر نرسـیدن بـوی غذای آشـپزخانه به همسـایه ها تاکید شـده اسـت به طوری که از رسـیدن بـوی غـذا بـه خانـه ی همسـایه بـه عنـوان آزار و اذیت یـاد شـده اسـت. پیامبـر می فرماینـد: «با بـوی غذایت همسـایه را اذیـت مکـن مگر آن کـه کاسـه ای را هم به او بدهـی» (مجلسـی، ۱۴۱۰ه ق، ۹۴ :۷۹).

اِشـراف نداشـتن بـه خانـه همسـایه و نسـاختن بالکـن مُشـرِف بـه آن: حفـظ حریـم خصوصـی از نگاه هـای بیگانه بسـیار تاکید شـده اسـت و از کنجکاوی و نگاه به حریـم خصوصی دیگران نهی شـده اسـت. پیامبر (ص) می فرماینـد: «هـر کـس پیـش از اینکه با پـا وارد حریم دیگران شـود، با نگاه وارد حریم ایشـان گردد، خدا برای او نخواهد سـاخت و او گناهکار اسـت، باز هم او گناهکار اسـت» (نوری، ۱۴۰۸، ۴۶۵ : ۳). بر اسـاس متون فقهی، احاطـه و اطلاع بر حریم خصوصی همسـایگان از طریق سـاختن بالکنی که مُشـرِف بر خانه ی همسـایه باشـد، حـرام و خـلاف شـریعت اسـلام اسـت (صاحـب جواهر، ۱۳۶۲، ص ۲۴۴ :۲۶). بـه عقیـده فقهـای اسـلام، بـرای جلوگیـری از تجـاوز بصری بـه حریم خانه، می بایسـت هـر عاملی را که باعـثِ در معرضِ دید قرارگرفتن فضای داخلـی خانه می شـود، حذف نمود. در ایـن مورد احکام مختلفـی در رابطه با طراحی سـه عنصـر خارجی (درب ورودی، پنجـره و ارتفـاع) کـه می تواند منجـر به تعدی بصـری بـه حریـم خصوصـی خانـه گـردد، صادر شـده اسـت. محـل نصـب درب هـای ورودیِ خانه هـا، بایـد با رعایـت اصل صیانـت از زندگی خصوصـی و اطمینان از عدم آسـیب به حریم خصوصی همسـایه تعییـن گردد. از نظـر فقهای اسـلامی، ایـن درب ها نبایسـتی روبروی هـم بـاز شـوند تا امـکان دیـد مسـتقیم به هم نداشـته باشـند (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷).

رعایـت حقـوق ارضـی در همسـایگی: حریـم و محـدوده ی اجتماعـی همسـایگی، تا چهل خانـه از هر طـرف ذکر شـده اسـت، اما مسـائل حقوقـی، در ارتباط بـا همسـایگان مجـاور می باشـد. «اسـلام بـرای حـق مالکیـت مسـلمانان نیـز حـق امنیت قائل شـده اسـت. قـرآن دسـت درازی در امـوال و زمین دیگـران را ممنوع می دانـد» (Mawdudi, ۱۹۹۰, ۲۴). پیامبـر (ص) فرمودنـد: «هـر کس به یـک وجب از زمین همسـایه ی خـود خیانـت و تجـاوز کند، خداونـد متعال آنـرا در روز قیامـت بـه صورت طوقـی آتشـین در گردنـش افکند و تـا هفـت زمیـن بچرخانـدش و سـپس او را وارد آتـش

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

دوزخ کند.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ۶۴۹۷ :۱۱). همچنین ایشان می-فرمایند: «هرکه همسایه‌اش را به طمع تصاحب مسکنش اذیت کند، خدا نیز خانه‌اش را به میراث وامی گذارد» (نوری، ۱۴۰۸، ۴۶۸ :۳).

فروش خانه و حق شَفَعه[۷]: همان‌گونه که لازم است انسان، هنگام انتخاب زمین یا خانه درباره محل و همسایگان تحقیق کند، هنگام فروش منزل یا زمین نیز مراعات همسایه ضروری است؛ بدین سبب اسلام تأکید می‌کند برای فروش خانه، همسایگان در اولویت‌اند تا مبادا خانه به فردی فروخته شود که اسباب اذیت و آزار همسایگان را فراهم سازد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «زمانی که هر یک از شما اراده می‌کند زمین یا ملک خویش را بفروشد باید نخست به همسایه‌ی خویش پیشنهاد دهد.» (میرزایی، ۱۳۸۶، ۲۳۹)، همچنین می‌فرماید: «همسایه خانه در خرید خانه یا زمینِ همسایه مقدّم است.» (ابن ابی جمهور، ۱۳۶۲، ۵۸ :۱). و این کار برای مدیریت همگنی اجتماعی محل سکونت و جلوگیری از تخریب آن انجام می‌شود.

جایگاه مهمان در مسکن اسلامی

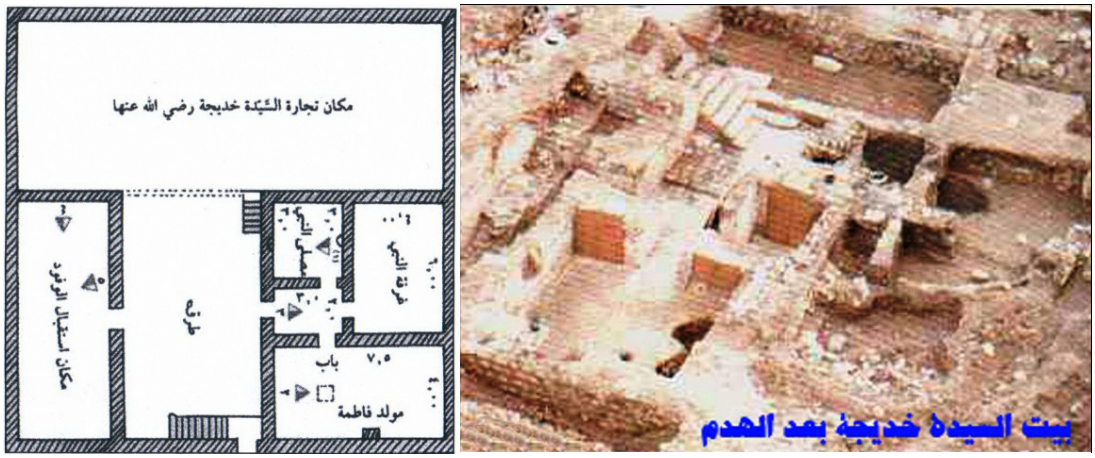
در فضیلت مهمانداری (مهمان داری و صله ی ارحام از آداب سفارش شده در سبک زندگی اسلامی): مدیریت روابط اجتماعی مربوط به مسکن، علاوه بر همسایگان، شامل بستگان نیز می گردد. در آداب زندگی اسلامی سفارش زیادی به انجام صله ی رحم و مهمانی رفتن و مهمانی دادن شده است و از ترک این سنت اسلامی نهی شدیدی شده است. قرآن کریم درباره‌ی قطع رابطه با خویشان می‌فرماید: «و از خدای پروا کنید و از قطع رابطه با خویشاوندان بپرهیزید[۸]» پیامبر اکرم (ص) به میهمان بسیار علاقه داشتند و خانه حضرت میهمان خانه‌ای برای یاران و اصحاب ایشان بود و می‌فرمودند: «هر که به خدا و روز واپسین ایمان دارد، باید مهمانش را گرامی دارد.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۳۲۷۳ :۷). و نیز می‌فرمودند: «برای هر چیزی زکاتی وجود دارد و زکات خانه (ساختن و آماده کردن) اتاق میهمان است.» (میرزایی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۹). پیامبر (ص) در نکوهش خانه‌ای که مهمان به آن وارد نمی‌شود می‌فرمایند: «هر خانه‌ای که مهمان به آن وارد نشود، فرشتگان واردش نمی‌شوند.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ۳۲۷۳ :۷) و خانه‌ای که فرشتگان واردش نشوند، خیر و برکت داخلش نمی‌شود. امام علی (ع) مهمان را شرفِ خانه شمردند و فرمودند: شرف خانه در بزرگ بودن صحن خانه و مهمانانی نیکو می‌باشد (طبرسی، ۱۳۸۹، ۲۳۱). ایشان در بیان حقوق مهمانداری می‌فرمایند: «هر که خداوند به او ثروتی دهد، باید با آن به خویشانش رسیدگی کند و مهمانداری نماید.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۳۲۷۳ :۷). این سنت اسلامی به حدی سفارش شده که پیامبر (ص) فرمودند: «سفارش می کنم امت حاضر و غائبم را تا روز قیامت، که صله رحم کنند، اگر چه به فاصله ی یکسال راه باشد، زیرا صله رحم جزء دین است.» (کلینی، بی تا، ص ۲۲۱ :۳). بنابراین برای انجام این دو سنت اسلامی، وجود فضای مناسب و کافی در خانه لازم می نماید.

فضای مخصوص مهمان داری در خانه: در فرهنگ تعالیم اسلامی، «مساله ی حریم شخصی» در محیط خانه به معنای محدوده تدافعی در برابر جامعه نمی باشد، بلکه تعالیم اسلامی، انسان مومن را موظف به پذیرش دیگران در قالب مهمان و شریک نمودن ایشان در حریم شخصی خانه می نماید. خانه ی بزرگان دین جای پذیرایی از مهمان بود و در سیره ی ایشان می توان قسمت مخصوص پذیرایی از مهمان را در خانه شان مشاهده نمود. در خانه ی حضرت خدیجه (س) (تصویر ۱)، فضاهایی برای اهل خانه و فضاهایی برای مهمان در نظر گرفته شده بود و در

۷. حق شفعه عبارت است از حق همسایه یا شریک برای خرید ملک یا ساختمان به هنگام فروش توسط همسایه یا شریک (حکیم ۱۳۸۱، ۴۱).

۸. «...وَ اتَّقُواْ اللَّهَ الَّذِی تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ...» (سوره نساء، آیه ۱).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



تصویر ۱. خانه ی حضرت خدیجه (س) در مکه و فضاهای خصوصی و فضای پذیرش مهمان در خانه؛ ماخذ: قربانی، بی تا، ص ۴۸.

تقسیم بندی فضاهای آن می توان بخش هایی مانند مکان تجارت حضرت خدیجه (س)، اتاق پیامبر (ص)، اتاق نماز، اتاق خصوصی، محل استقبال از بزرگان قبائل و مهمانان را مشاهده نمود (قربانی، بی تا، ۴۸). البته زمانی این کار امکان دارد که خانه از وسعت کافی و در حد نیاز آن خانواده برخوردار باشد. زمانی که امام علی در بصره جهت عیادت یکی از یارانش وارد شد، چون خانه ی او را وسیع دید فرمود: «با این خانه وسیع در دنیا چه می کنی و حال آنکه در آخرت به خانه ی گسترده محتاج تری؟ آری اگر بخواهی به وسیله این خانه به منزل وسیع آخرت برسی در این خانه میهمانی کن، صله رحم به جای آور، و حقوقی را که خداوند بر عهده ات گذاشته در جای خود پرداخت کن» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸، ص ۴۵۹).

مسکن اسلامی به عنوان کانون احیای ولایت و دین آشنایی

مهمان داری در اسلام، هم شامل ارحام و خویشان است و هم شامل برادران دینی، که این کار برای صحبت در زمینه ی معارف دینی و منزلت اهل بیت (ع) و در خانه های مومنان انجام می شود. امام باقر (ع) می فرمایند: «در خانه هایتان از یکدیگر دیدار کنید؛ زیرا این کار، امر ما را زنده می کند. رحمت خدا بر آن بنده ای که امر ما را زنده کند.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ۲۲۷۹ :۵ و مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۴۴ :۲). و در جای دیگر اینگونه آمده است: «سلام ما را به دوستان و موالی ما برسان و آنها را به تقوای الهی سفارش فرما... و اینکه در خانه هایتان با یکدیگر ملاقت کنید و با یکدیگر راجع به علوم دینی مذاکره و گفتگو کنید، چرا که با این کار، امر ما اهل بیت زنده و پویا می شود، خداوند بنده ای که امر ما اهل بیت را احیا کند، رحمت فرماید.» (نوری، ۱۴۰۸، ۳۰۰ :۱۷). پس خانه ای که در آن با آداب سفارش شده ی اسلامی زندگی می شود، به کانون دیدار بین دوست داران اهل بیت (ع) با هدف احیاء امر ایشان و صحبت در فضائل ایشان تبدیل می شود و لازمه ی آن، داشتن فضای متناسب با این عملکرد می باشد، بدون اینکه به فضای خصوصی خانه و حریم های آن آسیبی وارد شود.

نتیجه گیری و جمعبندی

اسلام دین اجتماعی می باشد و به مدیریت مسائل اجتماعی و روابط انسان ها توجه زیادی نشان می دهد که برخی از آنها مستقیماً با کالبد مسکن مرتبط می باشد. در تعالیم اسلامی حقوق همسایگی بسیار سفارش شده است و برای روابط مستحکم همسایگی اهمیت زیادی قائل شده است و شرط مسلمانی، پرهیز از هرگونه آزار همسایه عنوان شده است. محدوده ی همسایگی نیز محدوده ی وسیع تری را شامل شده و در واقع یک محله یا شهر کوچک را در بر می گیرد و برای رعایت حقوق همسایگی، سلسله مراتب نزدیکی

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۱. وجوه همسایگی در مسکن؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

همسایگی در مسکن		
ویژگی	نمود تاثیر بر آداب زندگی مسلمانان	نمود تاثیر بر کالبد مسکن
پرهیز از هرگونه آزار همسایه	شرط مسلمان بودن در عدم آزار همسایه و رابطه ی خوب با آن است.	از هرگونه آسیب معماری به همسایگان پرهیز گردد.
حدود و حریم همسایگی	حدود همسایگی تا چهل خانه از هر طرف است.	روابط همسایگی محدود به همسایگان مجاور نبوده و شعاع دورتری را شامل می شود این یعنی توجه دادن به آداب و رعایت حقوق همه ی شهروندان.
سلسله مراتب همسایگی	قرآن کریم، همسایه را سه گونه معرفی می کند: همسایه نزدیک، همسایه دور و همسایه موقت.	همسایگی علاوه بر مسائل کالبدی، جنبه ی روابط اجتماعی نیز دارد.
حقوق همسایگی	پیامبر (ص) در حقوق همسایگی فرمودند: اگر حمایت خواهد حمایتش کنی، ... و بنای خانه ات را بر او بلند نسازی و چنان بر نیفرازی که حاجب اهتراز نسیم به خانه او شود، مگر از او اجازت گیری ...	می توان اندیشه اسلامی را در باب همسایگی، در دو عنوان کلی «روابط اجتماعی» و «مسائل کالبدی» طبقه بندی نمود که هر دو موضوع به حوزه معماری مسکن ارتباط پیدا می کند.
روابط اجتماعی در همسایگی	اسلام بر تمام کسانی که در همسایگی هم هستند واجب می داند که صمیمیت اجتماعی محکمی بین خود برقرار کنند تا هر کدام دارایی، آبرو و زندگی خود را در بین همسایگان محفوظ بداند.	مسائل انسانی نیز به میزان مسائل کالبدی در مسکن اهمیت دارند.
آبادی و ثروت شهر با حُسن همسایگی	خوش رفتاری با همسایه شهرها را آباد و عمرها را زیاد می کند.	توجه به حقوق همسایه در ساخت وسازهای شهری.
پرهیز از هرگونه آزار در روابط همسایگی	پیغمبر (ص) فرمودند: کسی که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد همسایه خود را آزار نمی دهد.	اساسی ترین اصل در روابط همسایگی، اجتناب از هرگونه آزار و آسیب در همسایگی ها می باشد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۲. مصادیق کالبدی رعایت حقوق همسایه؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

مصادیق کالبدی رعایت حقوق همسایه		
ویژگی	نمود تاثیر بر آداب زندگی مسلمانان	نمود تاثیر بر کالبد مسکن
مانع نشدن از وزش باد به خانه ی همسایه	پیامبر (ص) می‌فرمایند: خانه ی خود را نسبت به خانه ی همسایه چنان بلند مساز که اگر بلند ساخته باشی، جلوی وزش باد به خانه او را خواهی گرفت.	حق بهره‌مندی از باد به عنوان یکی از معیارهای حقوقی معماری و شهرسازی اسلامی مطرح می-شود که در طراحی معماری و طراحی شهری و جهت گیری گذرها و محله ها باید به آن توجه گردد.
ممانعت از رسیدن بوی غذا و دود آشپزخانه به خانه ی همسایه	در روایاتی که حقوق همسایه را برشمرده‌اند، بر نرسیدن بوی غذای آشپزخانه به همسایه‌ها تاکید شده است و از آن به عنوان آزار همسایه نام برده است.	از موارد رعایت حقوق همسایه، اذیت نکردن به وسیله بوی پخت و پز در آشپزخانه است.
رعایت حقوق ارضی	هر کس به یک وجب از زمین همسایه خود خیانت و تجاوز کند، خداوند متعال آنرا در روز قیامت به صورت طوقی آتشین در گردنش افکند...	توجه در ساخت خانه و عدم تجاوز به زمین همسایه.
حکم شفعه	در مورد فروش زمین و خانه، اولویت خرید با همسایگان خانه می باشد و آنها حق تقدم بر دیگران دارند.	رعایت آسایش همسایگان و بر هم نخوردن همگنی اجتماعی محل سکونت.
اِشراف نداشتن به خانه همسایه	بر اساس متون فقهی، احاطه و اطلاع بر حریم خصوصی همسایگان از طریق ساختن هر چه که مُشرِف بر خانه همسایه باشد، حرام و خلاف شریعت اسلام است.	نساختن بالکن و هر جایی که مشرف به خانه ی همسایه باشد.

و دوری نیز قید شده است و «حُسن همجواری» یا «حُسن جوار» موجب آبادی و ثروت شهر بیان شده است. اصل اساسی در روابط همسایگی، پرهیز از رساندن هرگونه آزار به همسایه است که این اصل در مسکن نیز صادق است. حُسنِ همسایگی در اسلام، مقدمه ی رسیدن به وحدت است که از اصلی ترین اصول اسلامی می باشد. مسکن اسلامی، جایگاه به جا آوردن ارزش ها و آداب اسلامی می باشد و یکی از این آداب، برقراری تعاملات اجتماعی با ارحام و بستگان و همچنین برگزاری جلسات دینی با برادران ایمانی می باشد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۳. مسائل اجتماعی و انسانی مسکن؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

مسائل اجتماعی و انسانی مسکن		
ویژگی	نمود تاثیر بر آداب زندگی مسلمانان	نمود تاثیر بر کالبد مسکن
فضای مخصوص مهمان داری در خانه	در مورد مهمان رفتن و صله ی از ارحام توصیه ی زیادی شده است و برای آن پاداش دنیوی و اُخروی بسیاری ذکر شده و از سنت های اسلامیِ تاکید شده می باشد.	برای انجام دو سنت اسلامی صله ی رحم و مهمانداری، وجود فضای مناسب و کافی در خانه لازم می نماید.
خانه کانون ولایت و دین آشنایی	در روایاتی اینگونه سفارش شده است: در خانه هایتان از یکدیگر دیدار کنید؛ زیرا این کار امر ما را زنده می کند. رحمت خدا بر آن بنده ای که امر ما را زنده کند.	خانه می تواند فضایی داشته باشد که بدون آسیب به زندگی خصوصی، امکان برگزاری جلسات دینی را فراهم سازد.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه المیزان.

۲. نهج البلاغه (خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار امام علی ابن ابیطالب). (۱۳۷۸) ترجمه حسین انصاریان. تهران: پیام آزادی.

۳. آیتی، محمدابراهیم. (۱۳۶۶) تاریخ پیامبر اسلام. تهران: دانشگاه تهران.

۴. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۳۶۲) عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیه. قم: انتشارات سید الشهداء علیه السلام.

۵. ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی. (۱۳۷۱ه‍ق) المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.

۶. الحرالعاملی، شیخ محمد بن حسین. (۱۴۱۳ه‍ق-۱۹۹۳م) وسائل الشیعه. بیروت: موسسه آل البیت لاحیاء التراث.

۷. بابائی طلاتپه، محمدباقر. (۱۳۸۶). مهندسی مدیریت در فرهنگ علوی. مجله علوم مدیریت، سال اول، شماره۳، زمستان ۱۳۸۶، ۸۰-۲۳.

۸. پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۶۹) واحد همسایگی. نشریه علمی پژوهشی صفه، شماره ۱.

۹. جاسبی، عبدالله. (۱۳۷۳) اصول و مبانی مدیریت. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز انتشارات علمی.

۱۰. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱) مفاتیح الحیات. قم: مرکز نشر اِسراء.

۱۱. حکیم، بسیم سلیم. (۱۳۸۱) شهرهای عربی- اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی. ترجمه محمد حسین ملک احمدی و عارف اقوامی مقدم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۲. حکیمی، محمدرضا. (۱۳۸۰) الحیات. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۳. خواجه نصیرالدین طوسی. (۱۳۴۶) اخلاق ناصری. تصحیح: ادیب تهرانی. سازمان انتشارات جاویدان.

۱۴. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷) لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۵. ربی‌پور، محمدعلی و منوچهر صمدی‌وند. (۱۳۸۸) سیاست مدیریتی و ویژگی مدیران در نهج البلاغه. مجله فراسوی مدیریت، سال دوم، شماره ۸، بهار۱۳۸۸، ۱۴۰ – ۱۱۹.

۱۶. ربّی پور، محمّدعلی و منوچهر صمدی‌وند. (۱۳۸۹) اخلاق مدیریّت از منظر آیات و روایات. مجله فراسوی مدیریت، سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۸۹، ۲۲۸- ۲۱۱.

۱۷. ستاری ساربانقلی، حسن و حسین ذبیحی (۱۳۸۸) نگرشی بر مفاهیم مدیریت شهری حضرت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

رسـول اکرم (ص) در شـهر مدینه تجلی زیبای مدیریت شـهری در شـهر اسلامی. مجله فراسـوی مدیریت، سال سـوم، شـماره ۱۰، پائیـز، ۱۴۶- ۱۰۵.
۱۸. سـرتیپی پـور، محسـن. (۱۳۸۳). آسـیب شناسـی مشـکلات مسـکن در ایـران. نشـریه علمـی پژوهشـی صفـه، شـماره ۳۹.
۱۹. شـیخ صدوق [ابن بابویـه]، محمد بن علی. (۱۳۶۳) مـن لایحضـره الفقیـه. مقدمـه و تصحیـح: علـی اکبـر غفـاری. قم: جماعـه المدرسـین فی الحـوزه العلمیه.
۲۰. صاحـب جواهـر، محمدحسـن بـن باقـر. (۱۳۶۲) جواهر الکلام فی شـرح شـرائع الإسـلام. محقـق: عباس قوچانـی. بیـروت: دار احیـاء التـراث العربی.
۲۱. طباطبایـی [علامـه]، محمـد حسـین. (۱۳۷۴) ترجمـه تفسـیر المیـزان. ترجمـه محمد باقر موسـوی. مجموعه ۲۰ جلدی. قم: دفتر انتشـارات اسـلامی وابسته بـه جامعه مدرسـین حـوزه علمیـه قم.
۲۲. طبرسـی، فضل بن حسـن. (۱۳۶۰) ترجمه تفسـیر مجمـع البیان. ترجمه هاشـم رسـولی و دیگـران. تهران: فراهانی.
۲۳. طبرسـی، فضـل بـن حسـن. (۱۳۸۹) مـکارم الاخـلاق. ترجمـه لطیف راشـدی و سـعید راشـدی. قم: صبـح پیـروزی.
۲۴. عثمان، محمد عبدالسـتار. (۱۳۷۶) مدینه اسـلامی. ترجمـه علـی چراغی. تهران: انتشـارات امیر کبیر.
۲۵. فارابـی، ابونصـر محمـد. (۱۳۸۸) فصـول منتزعـه. ترجمـه و شـرح حسـن ملکشـاهی. تهـران: انتشـارات سـروش.
۲۶. قربانـی، رحیـم. بـی تـا. شـاخص های معمـاری و شهرسـازی اسـلامی. بـه کوشـش مرکـز بررسـی های راهبـردی ریاسـت جمهـوری، بـا همـکاری پژوهشـگاه بین المللـی المصطفی(ص). تهران: انتشـارات دانشـگاه شـهید بهشتی.
۲۷. کلینـی، ابـی جعفـر محمدبـن یعقوب بن اسـحاق. بـی تـا. اصـول کافـی. ترجمـه سـید جـواد مصطفـوی. مجموعـه ۴جلدی. تهـران: دفتر نشـر فرهنگ اهل بیت علیهم السـلام.
۲۸. مجلسـی [علامه]، محمدباقـر. (۱۳۶۵) ترجمه جلد شـانزدهم بحارالانـوار: در آداب و سـنن. مصحـح: محمد بهشـتی. محقق: محمد باقـر کمره‌ای. تهران: اسـلامیه.
۲۹. مجلسی [علامه]، محمدباقر. (۱۴۰۴ه‍ق) بحارالانوار. بیروت: موسسـه الوفاء.
۳۰. مجلسـی [علامه]، محمدباقر. (۱۴۱۰ه‍ق) بحارالانوار الجامعـه لـدرر اخبـار الائمـه الاطهـار. بیروت: مؤسسـه الطبع و النشـر.
۳۱. محمـدی ری شـهری، محمـد. (۱۳۸۴) میـزان الحکمـه. ترجمـه حمیدرضـا شـیخی. مجموعـه ۱۴ جلـدی. قـم: دارالحدیـث.
۳۲. مدرسـی، سـید محمـد تقـی. (۱۳۸۶) احـکام شـریعت پیرامـون حیات طیبـه یا زندگی پـاک. ترجمه سـید یاسـر قزوینـی. قـم: محبـان الحسـین.
۳۳. مرتضـی، هشـام. (۱۳۸۷) اصـول سـنتی سـاخت و سـاز در اسـلام. ترجمـه ابوالفضل مشـکینی و کیومرث حبیبـی. تهـران: مرکـز مطالعاتی و تحقیقاتـی معماری و شهرسازی.
۳۴. مـکارم شـیرازی، ناصـر. (۱۳۷۴) تفسـیر نمونـه. تهـران: دار الکتـب الإسـلامیه.
۳۵. میرزایـی، علی اکبـر. (۱۳۸۶) نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصـار پیامبر(ص)). قم: انتشـارات چاف.
۳۶. نراقـی، احمدبـن محمـد مهـدی. (۱۳۸۶) معـراج السـعاده. مصحـح: موسـوی کلانتـری دامغانـی. تهـران: پیـام آزادی.
۳۷. نراقـی، مهـدی بـن ابـی‌ذر. (۱۳۷۷) علـم اخـلاق اسـلامی: ترجمـه کتـاب جامـع السـعادات. ترجمـه جلال‌الدیـن مجتبـوی. تهـران: حکمـت.
۳۸. نقـی زاده، محمـد. (۱۳۸۶) ادراک زیبایـی و هویت شـهر (در پرتو تفکر اسلامی). اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.
۳۹. نقی زاده، محمد. (۱۳۸۷) شـهر و معماری اسلامی. اصفهان: مانی.
۴۰. نوری، میرزا حسـین. (۱۴۰۸) مسـتدرک الوسائل و مسـتنبط المسائل. قم: موسسـه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

41. Brown, Kenneth. 1986. The Use of a Concept: The Muslim City, Middle Estern Cities in Comparative Perspective. edited by k.Brown, Peter Sluglett, and Sami Zubaida, Franco British Symposium. London: Ithaca Press.
42. Chapra, M.umar. 1979. The Islamic Welfare state and its Role in the Economy. Leicester: The Islamic Foundation.
43. Hakim, Basim Salim. 2002. Arabic-Islamic Cities; Building and Planning Principles. Translated by Mohammadhossein Malek Ahmadi. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidence Publications.
44. Mawdudi, S.A,(1986), The Islsmic Way of Life, edited by Khurshid Ahmad and Khurram Morad, Leicester: The Islsmic Foundation.
45. Mawdudi, S.A. 1990. Human Rights in Islam. Leicester: The Islsmic Foundation.
46. Quraishi, M. Tariq, (1984), A Way of Life and a Monument, Indianapolis: American Trust Publication.
47. Rabie, Hamid. (1981). Islamic and the International Forces. Cair: Dar Elmoqif El-Aribi.
48. Rapoport, Amos, (1969), House Form and Culture, Engleewood Cliffs N.J. : Prentice Hall.
49. White, S. B., (1988), Housing, Urban planning, Edited by J. Catanese and J. Snyder, McGraw-Hill Book Company.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]